**خراسان بزرگ: سال ششم، شماره (۲۰)، پاییز ۱۳۹۴**
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.6, No.20, Fall 2015

# بررسی تاریخی مسجد شاه مشهد

**ندا میرزائی[۱] (نویسنده مسئول)**
**سعید خاقانی[۲]**

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۰۳
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۰
شماره صفحات: ۵۶-۴۳

## چکیده
معماری ایرانی که در قرن هشتم هجری بر اساس فرم و ساختمان سلجوقی بنیان نهاده شده بود در دوران تیموری دارای مقیاس بزرگ‌تر و شکوه بیشتری گردید. با سلطنت شاهرخ آثار تاریخی بسیار ارزشمندی ساخته شد. او و همسرش سلطان شاهرخ تیموری، نوعی رنسانس فرهنگی، از طریق صرف حمایت خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شاعران به دربار خود به وجود آوردند. وجود بارگاه امام رضا (ع) در مشهد و نزدیکی به هرات موجب شد تا این شهر در این دوران مورد توجه قرار گیرد و آثار تاریخی بسیاری مانند مسجد گوهر شاد، مدرسه دودر، مدرسه بالاسر، دارالحفاظ و دارالسیاده در جنوب و غرب مقبره امام رضا (ع) احداث گردید.
مسجد شاه یا مسجد ۷۲ تن، یکی از آثار با شکوه دوره تیموری در مشهد است که در جنوب غربی مسجد گوهرشاد و در امتداد بازار زنجیر سابق واقع شده است. در سال‌های اخیر بعد از کشف چند سنگ قبر در زیر گنبد احتمال اینکه این بنا از ابتدا آرامگاه بوده و به غلط تحت عنوان مسجد معروف شده است تقویت گردید و مقالاتی نیز مبنی بر تایید مقبره بودن این بنا به چاپ رسید. اما با توجه به تغییرات این بنا در دوره‌های مختلف، تغییر اسم آن از مقبره به مسجد جای بحث دارد. امروز نه تنها در کارکرد و ماهیت این بنا بلکه در مورد تاریخ ساخت، بانی و سازنده و.... آن نیز اختلاف نظر بسیار است. نگارنده تلاش دارد تا در این مقاله با بررسی اسناد تاریخی و کتیبه های موجود در بنا به این ابهامات پاسخ دهد. آنچه در نهایت نتیجه گرفته شد بیان کننده این مساله است که این بنا را می توان از جمله مساجد آرامگاهی دوران تیموری نامید که هر دو کاربری را با هم ترکیب نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** مسجد شاه، مشهد، مسجد، مقبره، ملکشاه

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، گروه معماری، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول) mirzaie.neda@gmail.com
۲. استاد مدعو، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

## مقدمه

معماری دوره تیموری آن بخش از معماری ایران است که پس از اینکه مغولان تحت نفوذ فرهنگ و دین ایران تاحدودی آرام گرفتند، با عجله برای احیا خرابی‌ها و ایجاد بناهای مورد نیاز پرداختند این معماری به وسیله تعداد قلیل معماران و هنرمندانی که از کشتار مغولان جان سالم بدر برده بودند و در مراغه پایتخت هلاکوخان گرد آمدند آغاز شد، در نقاط مختلف ایران گسترش یافت (دانشدوست، ۱۳۵۹: ۹۶).

با توجه به مطالعات کارشناسان درحوزه هنری شاید بتوان دوره تیموری را یکی از مهمترین ادوار تاریخ هنری ایران زمین محسوب نمود. آثار بجای مانده از این دوره نیز حاکی از اهمیت هنری این دوره از تاریخ ایران است. این سلسله، با تکریم هنرمندان و معماران و گردآوردن آنان از اقصی نقاط کشور هم در ساختار معماری و هم در تزیینات آن، نقش آفرین بوده‌اند (خزایی، ۱۳۸۸: ۵۹). علاقه تیموریان به تاریخ، سبب پدید آمدن آثار فراوانی در این زمینه شده است و به سبب همین آثار، تاریخ این دوره به اندازه کافی شناخته شده است (نطنزی،۱۳۸۳).

به طور کلی معماری هر دوره امتداد معماری دوره ماقبل یک ناحیه است که به تدریج متحول می‌شود ولی موقعی می توان به آن سبک و یا هنر دوره خاص اطلاق کرد که آن سبک یا هنر خاص در دوران شکوفایی خود باشد زیرا ابتدای شروع یک سبک و یا بعد از آن با سبک و روش دوره گذشته و یا آینده آمیخته است. دوران شکوفایی هنر تیموری در زمان شاهرخ است، در این زمان بناهای زیادی ساخته شده است و عموما بناها از یکنوع وحدت در معماری و تزئینات مثل کاشیکاری و نقاشی و غیره برخوردارند (دانشدوست، ۱۳۵۹: ۹۶).

همانطور که گفته شد دستاوردهای فرهنگی و هنری تیموریان با سلطنت شاهرخ شروع شد، چند تن از بازماندگان تیموری نیز در هنرپروری شهره بودند. بعضی از آن ها مثل گوهرشاد همسر وی، به حمایت از آثار معماری پرداختند و برخی نوادگان او از جمله اسکندر سلطان، ابراهیم سلطان و بایسنقر علاقه زیادی به خطاطی و کتاب‌آرایی نشان دادند. بهره‌گیری از شاهزادگان تیموری درحکومت ایالات مختلف، الگوی جدیدی از بالندگی و تحول هنری را پدید آورد.

آخرین بنای مربوط به عهد میرزا شاهرخ که خاتمهٔ بنای آن پنج سال بعد از فوت شاهرخ است (۸۵۵ قمری)اکنون مشهور به مسجد شاه است. این بناهای تاریخی که به واسطه حضور در هسته مرکزی و زائرخیز مشهد، کمتر نامش به گوش مردم این دیار خورده، به‌عنوان یک اثر ماندگار از دوران تیموریان همواره مورد بررسی قرار گرفته است. امروزه این بنا به عنوان موزه مردم شناسی برای گردشگران نشان داده می‌شود اما درباره کارکرد و تاریخ ساخت این بنا بین تاریخ شناسان اختلاف نظر بسیار است. بسیاری آن را مقبره امیر غیاث‌الدین ملکشاه می‌دانند و افراد کمی آن را جزو مساجد دوران تیموری به حساب می آوردند.

در این مقاله تلاش می‌شود تا درباره ماهیت، کارکرد و سازنده این بنا با توجه به منابع موجود و کتیبه ها اطلاعات کامل‌تری بدست آوریم.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، گردآوری اسناد مکتوب تاریخی و تحقیقات میدانی است و به طور علمی به مطالعه تاریخچه بنای مذکور پرداخته است.

مدارک مکتوب از مطالب مندرج در متون تاریخی و دست اولی که همزمان با دوره تحول تاریخی مورد نظر نوشته شده، اسناد ثانویه که توسط مورخین متأخر نگارش یافته اند، متن کتیبه ها و اسناد موجود در سازمان میراث فرهنگی مانند عکس و نقشه و گزارش ثبت اثر تاریخی گردآوری شده است. تحقیقات میدانی و تطبیق و مقایسه آن‌ها با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به تصحیح و تکمیل یافته‌ها کمک نموده و در نهایت منجر به تدوین مقاله حاضر گردید.

## پیشینه تحقیق

تاکنون کتاب‌های زیادی در رابطه با تاریخ خراسان یا معماری دوران تیموری به چاپ رسیده است مانند" هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان" اثر بلر و بلوم، " معماری تیموری در خراسان" اثر برنارد اوکین،" معماری تیموری در ایران و توران" اثر ویلبر و گلمبک،" خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل ییت به ایران و افغانستان" اثر ییت،" تاریخ شهر مشهد" اثر سیدی و... در این کتب علاوه بر بیان رویدادها و حوادث گذشته به معرفی آثار تاریخی این دوران می‌پردازند و گاها دیده می شود برای معرفی این بنای تاریخی به چند خط اکتفا کرده‌اند. اما نویسندگانی نیز با چاپ مقالاتی در رابطه با مسجد شاه سعی در معرفی این بنای تاریخی داشتند، مثل" مسجد شاه یا مقبره امیرغیاث‌الدین ملکشاه" نوشته مولوی که در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است و اولین بار بعد از کشف سردابه‌ها احتمال آرامگاه بودن این بنا را مطرح نمود، و مقاله" مسجد شاه و کتیبه‌های آن" نوشته الهی-

زاده، دوست لشکامی و نجف‌زاده نیز در سال ۱۳۹۳ به تحلیل کتیبه‌های موجود در بنا پرداخته اند.

## معماری مسجد شاه

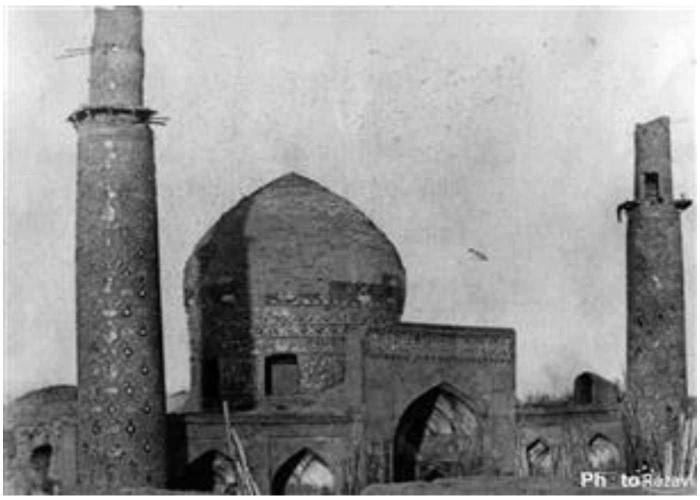
در حدود نیم کیلومتر در غرب حرم امام رضا (ع)در کنار مسیر بازار بزرگ که پیش از نیز وجود داشت بنایی تاریخی قرار دارد که بین عموم به نام مسجد شاه شهرت دارد. چند صباحی است که نام آن را به مسجد ۷۲ تن تغییر داده اند (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۰۵).

این مسجد، بنایی مربع شکل با گنبد کروی و بدون صحن روباز میانی است و فضایی حدود ۶۶۰ متر مربع را فرا می‌گیرد دارای ایوانی در وسط و دو غرفه در هر یک از دو طرف ایوان و دو مناره در طرفین غرفه‌ها و تزیینات کاشی‌کاری ممتاز است. می‌توان گفت مشابه‌ترین بنا به آن، مسجد مظفریه تبریز (مسجد کبود)است که در سال ۸۷۰ه.ق. ساخته شده است (الهی‌زاده، دوست لشکامی، ونجف‌زاده ،۱۱۱:۱۳۹۳).

همانطور که در تصویر۱ دیده می‌شود ایوان اصلی بنا مستقیما به فضای گنبددار مرکزی راه دارد چهار سر در ورودی نما نیز مستقلا به فضاهای جانبی این گنبدخانه راه دارند. در دو گوشه بنا دو مناره واقع است که بخش‌های فوقانی مناره‌ها از بین رفته است.

در کتاب منتخب‌التواریخ آمده است که "... صحن این مساجد بسیار کم است شاید عرضش بیست و پنج ذرع باشد و طولش شش ذرع تقریبا و ظاهرا در سابق بنای با وسعتی بوده والا این ایوان و این گنبد و گلدسته در چنین فضای تنگ مختصری بسیار زشت و مستهجن است..."(خراسانی، بی‌تا: ۶۶۷).

اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس آورده است:" گویند از بناهای اوزبکیه است و معلوم می‌شود که ابتدا بنایی با وسعت بوده و حالا فضای درستی و عمارت زیادی ندارد" (الهی‌زاده و همکاران ،۱۱۱:۱۳۹۳). لازم به ذکر است که فریزر انگلیسی چون تیموریان را از ازبک می پنداشته است اغلب بناهای تیموری را به شاهزادگاهان ازبک نسبت داده است (سیدی، ۱۳۷۸: ۷۳).



**شکل ۱-عکس قدیمی از مسجد شاه مشهد**

ماخذ: سازمان میراث فرهنگی مشهد

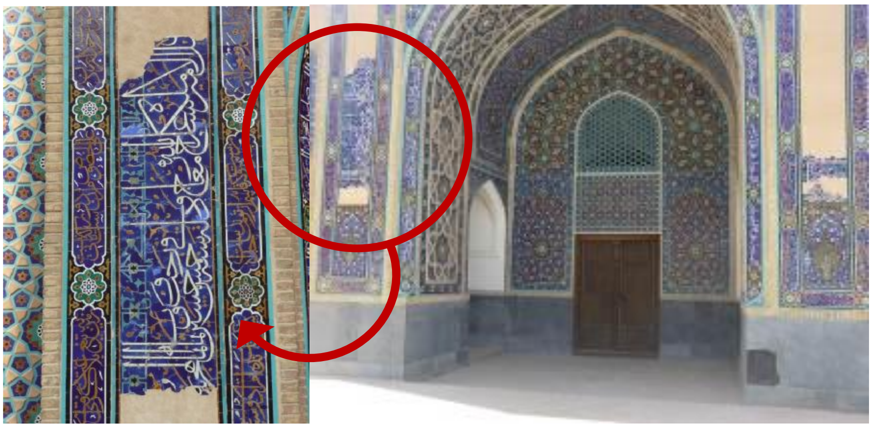
## تاریخ بنا

در کتیبه اصلی جدار مدخل اصلی، با حروف سفید رنگ بزرگ بر روی زمینه آبی سیر در بالای قاب‌بند فوق آغاز می‌شود. ربع فوقانی فضا را خط کوفی آبی روشن با سبکی مشابه سبک ایوان شرقی مدرسه پریزاد اشغال کرده است. بر ضلع راست تنها آغاز بسی الله نمایان است؛ پایان کتیبه بر روی ضلع چپ به شرح زیر است: (اوکین،۱۳۸۶: ۴۱۱) (تصویر۲)

یل الامیر ملکشاه عرج الله معارج دولته

فی رجب سنه خمس و خمسین و ثمان مائه الهجریه

بنا براین، این بنا درست در زمانی ساخته شده که سلطان قطب الدین محمدبن بایسنغر از خراسان رفته و ابوالقاسم بابر بایسنغر جای او را گرفته بوده است و بنای مزبور ظاهرا باید به همت او یا یکی از امیرانش احداث شده باشد (سیدی، ۱۳۷۸: ۷۲).



**شکل۲. نام امیر ملکشاه و سنهٔ خمس و خمسین و ثمان مأهه ۸۵۵**
ماخذ: نگارنده

## بانی این بنا کیست؟

همانطور که پیشتر گفته شد در مورد بانی این بنا در میان محققین اختلاف نظر است، در کتیبه اصلی جدار مدخل اصلی، نام امیر ملکشاه آورده شده است. اما امیر ملکشاه کیست؟

در بدو امر نام "امیر ملکشاه" شناخته شده نیست، زیرا نام وی در هیچیک از منابع تاریخی باقی مانده وجود ندارد. در بعضی منابع تاریخ بنای آن را به نادرست سال ۵۰۵ق. می‌رسانند و بانی آن را خواجه نظام‌الملک طوسی می‌دانند و می‌نویسند که این مسجد همان جامع نوغان می‌باشد که در زمان سلطان سنجر سلجوقی (به ملکشاه شهرت داشته است)بنا شده است ولی با توجه به تاریخ ذکر شده در کتیبه این نظریه رد می‌شود (قصابیان، ۱۳۷۷: ۲۳۳؛ طاهرزاده، ۱۳۵۸: ۵۲).

با تحقیق در منابع تاریخی درمی‌یابیم که در تاریخ ساخت بنا، نام شاه‌ملک همواره به کار رفته ولی از ملکشاه که بر کتیبه ایوان می توان دید استفاده نشده است، دست کم هیچ یک از سه پسر بایسنغر که در آن ایام حاکم خراسان، توس و مشهد بوده اند، یعنی"علاءالدوله"و"قطب الدین محمد" و"ابولقاسم بابر" لقب امیر ملکشاه یا امیر غیاث الدین ملکشاه نداشته‌اند (سیدی، ۱۳۷۸: ۷۲). در تاریخ آمده است که امیر غیاث‌الدین شاه ملک، امیرالامرا و سپهسالار شهر توس در دوران حکومت الغبیک بوده و جزو امرای مهم دربار امیرتیمورگورکان است که به شهادت عبارت ظفرنامه، تألیف شرف‌الدین علی یزدی در جنگ‌های امیرتیمور مأموریت‌های مختلفی به او محول می‌شده است. میرزا شاهرخ ایالت خوارزم و توابع را به او واگذار کرد و او تا آخر عمر همین سمت را داشت. وی در سال ۸۲۹ ق. در خوارزم وفات یافت و بعد از مرگ جسد او را به مشهد منتقل و در جوار امام رضا(ع) مدفون کرده‌اند.

از آنجایی که نام وی (شاه ملک) به عنوان بانی مدرسه بالاسر مشهد نیز در سال ۸۰۰ ق. به چشم می‌خورد (خزایی، ۱۳۸۸: ۷۴)بنابراین محققینی مانند مولوی و سیدی با معکوس‌کردن نام شاه‌ملک احتمال دادندکه ملکشاه و شاه‌ملک یک نفر هستند و بیان داشتند که بنای حاضر، ابتدا مقبره‌ای بوده که امیر غیاث‌الدین برای خود ساخته است و در زمان‌های بعد از آن، بارها بازسازی شده و درنهایت به مسجد تغییر کاربری داده است. مولوی در مقاله خود برای تایید گفتارش عین عبارت خواند میر را آورده است و هنگامی که به نام غیاث الدین شاه ملک می‌رسد آن را غیاث الدین ملکشاه بیان می‌کند (الهی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲)درحالیکه در حبیب السیرآمده است: "...در شب دو شنبه پانزدهم ربیع الاول این سال امیرکبیر ستوده خصال غیاث-الدین شاه ملک در ملک خوارزم وفات یافت و او بعزم شان و علو مکان و وفور اعتبار و کمال اقتدار از سایر امراء امیر تیمور گورکان و ارکان دولت شاهرخ سلطان ممتاز و مستثنی بود و پیوسته در تربیت و رعایت اهالی علم وفضیلت و اشاعه خیرات و افاضه مبرات اهتمام تمام می‌نمود و در اطراف دیار خراسان و ماوراء النهر و خوارزم بقاع خیر و ابواب البر مانند مدارس و خوانق و مساجد و اربطه و حیاض تعمیر کرده یادگار گذاشت...."(خواند-میر، ۱۳۵۳: ۶۱۳) همانطور که مشاهده می‌شود در حبیب‌السیر نامی از ملک‌شاه نیامده است، همچنین در دیگر منابع تاریخی مانند زبدة‌التواریخ و مجمل فصیحی، امیر مشهور تیمور را با نام امیر شاه‌ملک ثبت کرده اند؛ بنابراین نمی‌توان به آن استناد کرد (الهی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

اما برخلاف این نظریه که ملکشاه همان شاه ملک است، اوکین می‌گوید" این امر به طور مطلق صحیح نیست، این اسامی معکوس نشده است مگر در حدی که از سلطان سلجوقی،

ملکشاه، با عنوان شاه‌ملک یاد شده است". وی اعتقاد دارد این نام‌ها می‌تواند هویت دو شخصیت مجزا را نشان دهد، نمونه این مساله در تاریخ"خواجه‌یوسف" امیرتیمور و"یوسف‌خواجه " امیرشاهرخ است که نام این دو در تاریخ هرگز اشتباه نشده است (اوکین،۱۳۸۶: ۴۱۶).

ما به طور قطع نمی‌توانیم نظریات مبتنی بر اینکه شاه‌ملک و ملکشاه یکی هستند را رد کنیم چه‌بسا که این احتمال نیز درست باشد و ملکشاه و شاه‌ملک یکی باشند ولی با توجه به اینکه در جایی از متون تاریخی نام ملکشاه ذکر نشده است، این احتمال را تضعیف می کند و باید این مساله را نیز در نظر گرفت که در مورد یک دوره تاریخی نمی‌توان از روی حدس و گمان صحبت نمود. بنابراین نگارنده تلاش کرد تا با بررسی دقیق‌تر در منابع تاریخی و کتیبه‌های موجود در بنا به مدارکی دست یابد که ما را به جواب مستندتری هدایت کند.

مساله‌ای که شاید علت رد قبول این مطلب می‌شود که بانی این اثر شاه‌ملک است، تفاوت زمانی بین ساخت بنا و تاریخ مرگ وی است. زیرا به روایت تاریخ شاه‌ملک در سال ۸۲۹ ق. از دنیا رفته است ولی تاریخ ساخت بنا ۲۵ سال بعد از مرگ وی (در کتیبه ۸۵۵ ق.) ذکر شده است ضمن اینکه عبارت دعایی روی ایوان" عزّ الله معارج دولته[۱]" تنها مناسب حال کسی است که همچنان در قید حیات است (اوکین،۱۳۸۶: ۴۱۶). بنابراین این مساله که امیر شاه ملک بعد از مرگش در این مکان دفن شده است قابل‌قبول نیست زیرا ملکشاه که نامش در کتیبه آورده شده در زمان ساخت بنا زنده بوده است.

ویلبر احتمال می‌دهد که امیر ملکشاه همان نظام‌الدین ملک‌شاه یحیی سیستانی است که سمرقندی ضمن وقایع سال ۸۶۴ ق. از او نام برده است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۴۶۹). در مطلع سعدین و مجمع بحرین آمده است:" و درین ولا، آفتاب عنایت آن حضرت‌سایه مرحمت بر فرق روزگار شهریار کامکار نظام‌الدوله والدین ملک‌شاه یحیی سیستانی منبسط ساخته نظر تربیت و عاطفت شامل حال او گردانید و تمام ولایت سیستان را به رسم سیورغال نامزد او فرمود...." (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۷۴). اما بر خلاف متون تاریخی که سال ۸۰۵ ق. را تاریخ وفات ملک‌یحیی می دانند، در احیاءالملوک با ذکر دلایلی بیان شده که این تاریخ صحیح نیست (ملک‌شاه حسین، ۱۳۸۳: ۵۳۸). یکی ازاین دلایل، ناهمانگی تاریخ تولد فرزندان وی با تاریخ فوت او بیان شده و دلیل دیگری که گفته شده آن است که در تاریخ ۸۷۳ ق. شهر های به امر حسین بیک ترکمان به وی داده شده که این مساله نشان دهنده این مطلب است که وی تا این تاریخ در قید حیات بوده است.

با توجه به عبارت دعایی و تاریخ ساخت بنا می‌توان ملک یحیی را بانی این بنا دانست. اما با توجه به اینکه در کتیبه ورودی اشاره‌ای به نام یحیی یا سیستانی نشده این احتمال ضعیف می-شود.

بر اساس اسناد می‌توان چند احتمال برای بانی آن در نظرگرفت :
در زمانی که مسجد شاه بنا می‌شد، ابوالقاسم بابر فرمانروای خراسان بود و در مشهد سکونت داشت. می‌توان این احتمال را داد که ملکشاه یکی از امیران او بوده است و شاید به دلیل فعالیت‌های نظامی کمی که داشته مورخان از وی یاد نکردند.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان امید داشت که ملک‌یحیی بانی این بنا باشد.

شاید برای بانی این بنا، جنبه معنوی آن بر جنبه مادی ارجح‌تر بوده است و به دنبال شهرت و مقام نبوده است و به همین دلیل نامی از او بر جای نمانده است.

**معمار بنا کیست؟**

---

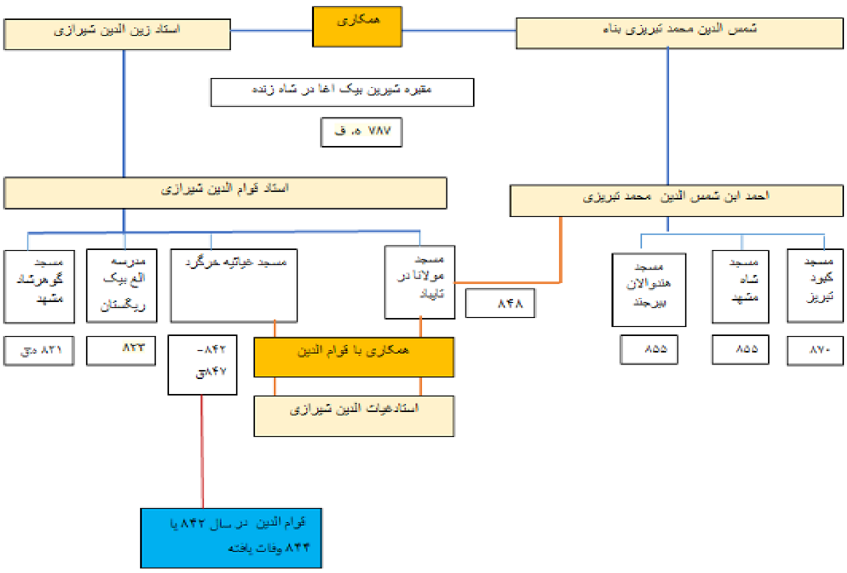
۱. خداوند به علو فروانروایی اش بیفزاید



**شکل۳. نام معمار بنا**
ماخذ: نگارنده

با توجه به تصویر۳ در کتیبه ضلع راست جدار مدخل اصلی در بالای قاببندی تزیینی گلدان خط ثلث بر زمینه آبی سیر نوشته شده: که عمل (خ) واجگی (؟)شمس‌الدین محمد بنا تبریزی است.

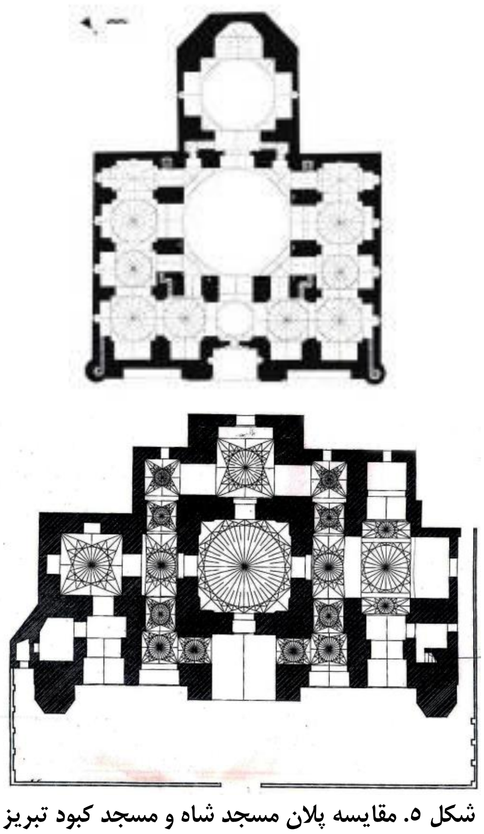
محل متداول این نوع قاب بندی بر روی ضلع چپ و در انتهای کتیبه خواهد بود (مثل مسجد تایباد و خرگرد). اعتمادالسلطنه معمار بنارا" احمد بن شمس الدین محمد تبریزی" می نویسد.اگر چه امروز کتیبه ای وجود ندارد و سایرین هم چیزی فراتر ننوشته اند. شمس‌الدین و خودشان تبریزی اند یعنی در تبریز زندگی کرده اند و مدفنشان نیز تبریز است. در بررسی متون تاریخی نام این هنرمند (بدون ذکر احمد) در آثاری مانند مسجد جامع هندوالان بیرجند (تاریخ ساخت ۸۵۵ قمری)و آرامگاه شیرین بیک در شاه زنده (۷۸۷ق.)به چشم می‌خورد. با توجه به تفاوت تاریخی می-توان گفت که معمار بنای شیرین بیک شاید شمس الدین پدر(پدر احمد)باشد و یا آنکه تنها یک تشابه نام است. علاوه بر این مولوی و برخی محققین معمار بنای مسجد واقع در تایباد در نزدیکی قبر زین الدین ابوبکر تایبادی را که از بناهای زمان شاهرخ تیموری است، نگارنده از روضات الجنان و جنات الجنان چندین مورد شمس‌الدین محمد تبریزی مستخرج نموده است و همگی آن‌ها نامشان محمد، لقبشان همین معمار می‌دانند (مولوی، ۱۳۴۷: ۷۸)در حالیکه در کتاب آثار ایران نوشته آندره گدار معمار این مسجد قوام الدین و در ادامه غیاث الدین شیرازی نوشته شده است (مصطفوی، ۱۳۴۹: ۱۶)(تصویر ۴).




**شکل٤. دیاگرام بررسی آثار معمار مسجد شاه و معماران هم‌دوره** (ماخذ: نگارنده)

برخی دیگر  معمار مسجد شاه را با معمار مسجد کبود تبریز یکی می‌دانند. در رابطه با معمار مسجد کبود هیچ مدرکی در دست نیست عده‌ای بیان می‌کنند که جهانشاه قراقویونلو احمد را از مشهد به تبریز برده است تا در سال ۸۷۰ ق. مسجد را به پایان برساند (کولین، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴: ۶۷۵). شیلا بلر و جاناتان بلوم دربارهٔ شیوهٔ معماری این مسجد اظهار-نظر کرده اند بر اساس کتیبه کاشی‌کاری شده مسجد سبز در بورسه که نام معمار تبریزی به عنوان معمار آن بنا نوشته شده است بیان می‌کنند که معمار مسجد امام در مشهد همان کسی است که طرح و نقشه مسجد کبود را طراحی کرده و با معماری و طراحی  مسجد سبز در بورسه آشنایی و ارتباط داشته است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲: ۷۹).

دکتر سلطان‌زاده نیز اینگونه بیان می‌کند که: " نقشه مسجد کبود در ایران سابقه ای نداشت و پس از آن نیز دیگر مورد توجه قرار نگرفت و به نظر می‌رسد تنها یک مسجد موسوم به مسجد شاه در مشهد از دوره تیموریان وجود دارد که نقشه آن به مسجد کبود شباهت دارد" (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۲). اما در مقابل چنین دیدگاه‌هایی، محمدکریم پیرنیا نظری کاملاً متفاوت دربارهٔ مسجد کبود اظهار کرده و معتقد است:" تهرنگ این مسجد که بدون میانسرا می‌باشد، از مسجد شاه‌ولی تفت برگرفته شده و پس از آن نیز در مسجد شیخ لطف‌الله به کار رفت" (کبیر صابر و مظاهریان، و پیروی،۱۳۹۳: ۷) (تصویر۵).



**شکل ۵. مقایسه پلان مسجد شاه و مسجد کبود تبریز**
ماخذ: سازمان میراث فرهنگی مشهد

اما از آنجایی که مسجد شاه و مسجد کبود هردو در دوران تیموری و در یک بازه زمانی ساخته شده اند، بهتر دیدیم تا به بررسی دقیق‌تری بین این دو بنا داشته باشیم:
همانطور که می‌دانیم مسجد کبود تبریز درگذشته به مسجد سنی-ها شهرت داشته است و احتمال اینکه بر خلاف عقیده پیرنیا از معماری سبک عثمانی و مساجد سنی الهام گرفته شده باشد بسیار زیاد است. اما نکته ای که سبب می‌شود این دو به هم مرتبط شوند جمله‌ای است که بیت در سفرنامه خود درباره مسجد شاه می نویسد. وی آن را مسجد سنی‌ها می‌نامد و می‌گوید:"  این بنا که به آن مسجد ازبکیه نیز می‌گویند در طول دوره ای که ازبک-ها مشهد را در اختیار خود داشتند به فرمان امیر ملکشاه ساخته شد و به آن مسجد سنی‌ها نیز اطلاق می‌شود" (بیت،۳۰۳).

شباهت دیگر این دو بنا نوع جای‌گیری مناره‌های آن است، این مناره ها یکی از انواع مناره های دوران تیموری هستند که بر روی نمای اصلی یا در چهار گوشه مساجد بزرگ و مدرسه‌ها بنا می‌شدند.(پوگاچنکووا، ۱۳۸۷) مناره‌های مسجد شاه و مسجد کبود تبریز و همانند مناره‌های مدرسه الغبیگ در سمرقند، مصلا و مدرسه گوهرشاد، مدرسه سلطان حسین بایقرا در هرات است. مولوی در مقاله خود می نویسد که مناره‌ها در دوران صفوی اضافه شده است اما اوکین معتقد است که پوشش بدنه مناره‌ها با دیگر بخش‌های نما مطابقت دارد اگر چه درست است که پایین مناره جنوبی بخشی از شیوه تزیین هندسی پلوهای طاقچه مجاور را به نمایش می‌گذارد مناره بر محوری تکیه ندارد و احتمالا عجولانه بنا شده است اتصال مناره شمالی در این نقطه نمایانگر آن است که هیچ رخنه ای در این پیوستگی وجود ندارد و بین تزئینات مناره‌ها با دیگر بخش‌های بنا هماهنگی وجود دارد (تصویر۶).



**شکل٦. مناره های مسجد شاه**

ماخذ:نگارنده

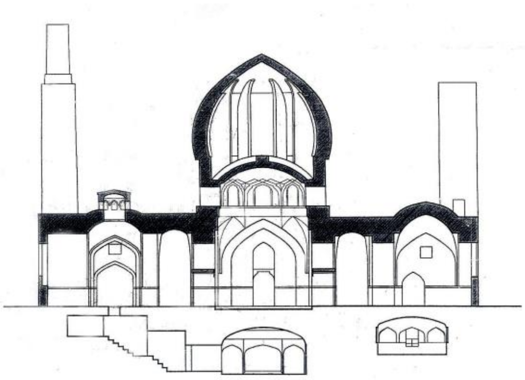
با توجه به مطالب گفته شده اگر بپذیریم که بانی مسجد شاه و مسجد کبود تبریز شمس‌الدین محمد تبریزی بوده است باید گفت که این دو بنا با وجود شباهت پلانی به یکدیگر تشابهی با دیگر کار این معمار ندارد. ولی از آنجا که نوع تزئینات مسجد شاه به تزئینات مسجد گوهر شاد مشهد و مدرسه الغ بیک، مدرسه بالاسر، که از اثار قوام‌الدین شیرازی هستند، نزدیک است و با توجه به اینکه قوام‌الدین یکی از معماران مطرح آن دوره در مشهد بوده است نمی توان تاثیر معماری وی را در این بنا نادیده گرفت.

## کشف سرداب

اخیرا که در رواق شمالی مقبره مشغول تعمیرات بوده اند به پلکانی برخورد کرده اند که پر از خاک بوده و با خالی کردن پلکان به ممری رسیده و بالاخره با تخلیه ممرو سرداب که هردو پر از خاک بوده بوجود سرداب در زیر بنا پی برده اند. در ابتدای زمان بنا سردابی بعرض شش متر و سی و شش سانتی متر به همین مقدار طول ساخته شده که کسی از وجود سرداب مذکور خبری نداشت (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۷).

این سرداب برخلاف بسیاری از سرداب‌های دیگر دوره تیموری، همچون سرداب‌های گورمیر، آرامگاه بی‌بی‌خانم، یا مدرسه دودر، دیوارها و سکنج‌ها با ظرافت چندانی پرداخت نشده‌اند و خشت-های نامنظم و بی قواره را گچ پوشانده است، و این برخلاف خشت‌های بنایی نمونه‌های پیشین است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۰۸).

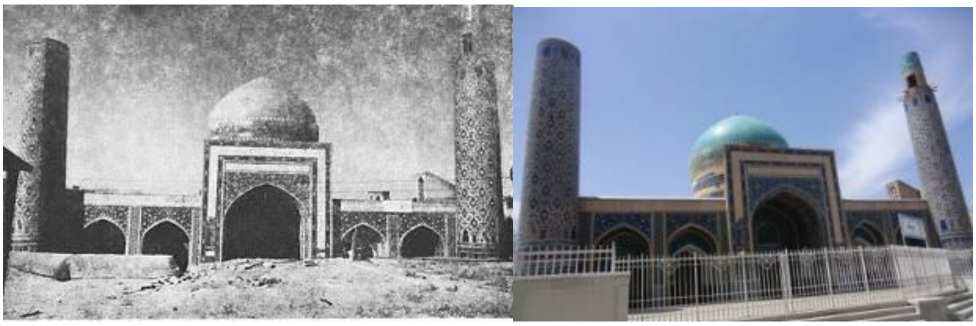
در این سرداب یک صورت قبری در وسط به پهنای پنجاه و شش سانتی متر و طول یک متر و نود سانتی‌متر دیده شده و در طرف چپ قبر مرکزی سرداب دو قبر و در طرف راست آن یک قبر بنظر رسید که با خاک شدن جسد این سه قبر آجر روی قبر در هم ریخته و فرورفتگی پیدا کرده است، از آنجایی که هیچ یک از قبور داخل سرداب سرلوحه ندارد هویت و اسامی مدفونین نامشخص است (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۷)(تصویر ۶).



**شکل۷. برش از مسجد و نمایش سرداب زیرزمینی**
ماخذ: سازمان میراث فرهنگی مشهد

## قبر های کشف شده در سرداب متعلق به کیست؟

در رابطه با مقبره‌ها و اینکه آیا بـه امیـر ملکشـاه و خـانواده‌اش تعلق دارد یا خیر جای بحث دارد:
با توجه به آنچه در کتاب حبیب‌السیر آمـده اسـت: "... مـدفن امیرشاه ملک مشهد مقدسه است و در جوار مزار فایض‌الانـوار امام بزرگوار ابوالحسن علی ابن موسی الرضا سلام اللّه علیهمـا قرار دارد..." مولوی می‌گوید قبور واقع در سرداب زیـر بقعـهٔ آن قبری که وسط واقع شده به احتمال قوی قبر شاه‌ملک (به اعتقد وی امیر ملکشاه)است و سه قبر دیگـر شـاید مربـوط بـه احفـاد صاحب مقبره یا بستگان او باشد (مولوی، ۱۳۴۷: ۹۱).
کتیبه‌ها شواهد ارزشمندی درباره این موضوع فـراهم مـی‌آورنـد وشعری که سراینده‌اش حضرت علی(ع) است در درون گنبدخانه قرار دارد و شعری که در ستایش دوازده امام بر روی قسمت پـخ ساختمان واقع شده است به یقین علاقه به علویان را مشـخص می‌کند که انسان در آرامگاهی منحصرا غیر دینی انتظـار نـدارد. ابیات روی ساقه گنبد از قاسم انـوار کـه بـه "شـکوه و صـفای کعبه" اشاره دارد بیشتر برای مزار شخصیتی مذهبی تناسب دارد تا مزار شخصیتی غیرمذهبی و این نکته را تقویت مـی‌کنـد کـه آرامگاه‌ها در برگیرنده اجساد یک‌تن علوی صدیق باشـند. البتـه این امر این احتمال را هم دور نمی‌سازد که امیر ملکشاه یا دیگر اعضای خانواده‌اش در سرداب دفن شده باشند، وجود دو سرداب حتی احتمال این مطالب را بیشتر می‌سازد ولی ایـن نکتـه مهـم باقی می ماند که آرامگاه‌ها بیشتر در بر گیرنده اجساد یـک‌تـن علــوی صــدیق باشــند (اوکــین، ۱۳۸۶: ۴۱۹) (تصــویر ۸).



**شکل۸. مسجد شاه مشهد در گذشته و امروز**
ماخذ: سازمان میراث فرهنگی مشهد و نگارنده

## کاربری بنا: مسجد یا مقبره

برخی با استناد به وجود سرداب، وجود برخی کتیبـه‌هـا، فقـدان محراب و همچنین محتوای کتاب حبیب‌السیر این بنا را آرامگـاه امیرغیاث‌الدین ملکشاه میدانند. بعضی دیگر از محققین این بنا را همان مسجد سنی‌های مشهد می‌دانند که به فرمان امیـر ملـک شاه در رجب ۸۵۵ ق. در محل یک مقبره قبلی بنا کرده است. برخی دیگر نیز معتقدند که این بنا هماننـد مسـجدکبود، حظیـره عبدالله انصاری، مسجد شاه زنده در سمرقند و آرامگاه گوهرشاد

در کوشان از مساجد آرامگاهی چسبیده به آرامگاه است(الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

اما برای یافتن جواب این پرسش که این بنا به چه منظور ساخته شده است، در اینجا نظریات مختلف محققین و تاریخ شناسان را در رد یا پذیرش کاربری مقبره بر اساس ویژگی ها وکتیبه های موجود آورده شده است.

۱)در این بنا قبله دارای دقت نیست. نمای بنای مورد نظر بیست‌وچهاردرجه انحراف از جنوب به مغرب دارد و حال اینکه قبله مشهد پنجاه‌وچهار درجه از جنوب به مغرب منحرف است (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۹).

البته باید اشاره کرد جهت‌یابی دقیق قبله امری بود که همواره ثابت نمی ماند، بلکه مسأله ای که با محاسبات نجومی دقیق‌تر قابل حل بود. آرامگاه‌ها معمولا رو به قبله بنا می‌شدند، چون بدن میت طوری قرار می گرفت که شانه راست او رو به مکه بود. بنابراین می‌توان تصور کرد که این بنا، چه مسجد چه مزار و چه هر دو، روبه قبله قرار داشت ولی معمار آن به دلیل محاسبات بازبینی شده فکری کرد که جهت‌یابی مساجد قبلی برخطاست و بنابراین جهت‌یابی مسجد جدید را اصلاح می‌کرد (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۱۸).

۲) با اینکه مولوی نداشتن محراب را دلیل رد مسجد بودن بنا می داند ولی اوکین می نویسد که اگرچه این بنا هم اینک دارای محرابی نیست  اما در سده نوزدهم دارای یک محراب بود، زیرا صنیع الدوله در توصیف خود از فضای درونی بدان اشاره دارد. احتمالا محراب در محل پس نشستگی مخارجه پشت محراب قرار داشت (همان، ۴۱۸).

ییت نیز در  سفرنامه خود اشاره ای به محراب این مسجد می کند:" می‌گویند که جهت قبله در این مسجد درست تعیین نشده و بنابراین محراب نیز در محل دقیق خود ساخته نشده است (ییت، ۳۰۳).

۳) با مراجعه به نقشهٔ بنای حاضر واضح می‌شود که اگر کسی قصد ساختن مسجدی را در قرن نهم داشته باشد در اطراف ایوان و سرپوشیدهٔ مرکزی رواق نمی‌سازد بلکه در دو طرف ایوان بقدری که عرصهٔ گنجایش دارد «مسجد زمستانی»طرح می‌نماید و بطور کلی در فن‌معماری مساجد در درجه اول توجه بانی به محراب مسجد است و تمام ابنیه اطراف و ملحقات فرع بر محراب است و در نقشه بنا چنین رعایت‌هائی نشده و اساساً محرابی در تمام بنا دیده نمی‌شود و اگر با دقت نقشهٔ بنا مورد بررسی قرار گیرد و نقشه مذکور طرح مسجد نیست زیرا در سه طرف بقعه مرکزی رواق‌ها ساخته شده که با دربندهائی به بقعهٔ مربوط است (مولوی، ۱۳۴۷: ۸۹).

۳) همانطور که گفته شد این بنا سردابی با چندین قبر دارد، مسلمانان معمولا در مساجد دفن نمی‌شوند و سرداب جای عبادت نیست (همان، ۸۹). اما با توجه به اینکه کتیبه ای روی قبرها یافت نشده احتمال وجود دارد که بنای حاضر روی سرداب قدیمی ساخته شده باشد.

۴) از کتیبه‌ها تعدادی برای مزار مناسب‌ترند. این‌ها عبارتند از:

الف) جمله البقاءلله که در ساقه گنبد روی بقعه با خط درشت کوفی مکرر گردیده نشانه آن است که بناکننده بنا بقای سرمدی را خاص ذات پروردگار شناخته و صاحب مقبره خود و دیگران را در مقابل باری جلت عضمته فانی می‌دانسته است.

ب) ابیاتی از سعدی بر ایوان:

« خوشست عمر دریغا که جادوانی نیست

بس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست»

ج) ماهیت دعایی و تضرع آمیز سخنانی  از علی (ع) درون گنبد-خانه، به ویژه قطعه‌ای که در بالا نقل شده است:

الهی آنسنی بتلقین حجتی إذا کان فی القبر مثوی و مضجع

و بنابراین اشعار کتیبه هم اماراتی قوی بر مقبره بودن بنا خواهد بود.

در حالی که صحت برخی از این ادله قابل انکار نیست، مسائل دیگری نیز هست که می توان به آنها استناد کرد.

۵) در اسناد تاریخی مقدسی می گوید:" امیر فائق عمیدالدوله گرد قبر حضرت امام رضا مسجدی بساخت که در تمام خراسان عمارتی از آن با شکوه تر نبود ". سایکس در سفرنامه خود مسجد شاه را با مسجد امیر فائق طوس یکی می داند (الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). با توجه به آنکه مقدسی در قرن چهارم بوده است و بنا در دوران تیموری ساخته شده، تنها می‌توان این احتمال را داد که این بنا در دوران گذشته ساخته شده و در قرن نهم تغییرات اساسی پیدا کرده است.

۶) خراسانی نیز در کتاب منتخب التواریخ می‌نویسد در آن زمان جمعیت مشهد مقدس زیاد نبوده که احتیاج به چنین مسجد باشکوهی در نزدیکی مسجد گوهرشاد داشته باشد پس باید این بنا، مسجد قبیله و طایفه ای باشد (خراسانی، بی‌تا: ۶۶۷).

۷) نقشه کف به یقین از نوع مساجد دوره تیموری نبود، و با نقشه کف مسجد کبود در تبریز شباهت دارد نقشه کف مشابهی نیز در چندین مسجد عثمانی در بورسه به کار رفته است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۱۸).

۸) شواهد دیگری وجود دارد مبنی بر این کـه مسـجد شـاه را بـه منزله مکان عبادت طراحی کرده، یا به ویژه به منزله مسجد محله خاصی بنا کرده بودند. نوع برج‌هـا کـه در پهلـوی نمـای پیشـین سـاختمان قـرار دارد، بـرخلاف انـواع کوتـاهتر آن در گـذرگاه و خرگرد، گواهی است بر این که آن برجها بی هیچ ابهـامی منـاره هستند. پلکان داخلی و استوانه ای شکل بلنـد آن کـه بـه بـالکن منتهی می‌شود این شواهد را پدید می آورند. با ملاحظه کتیبه‌های روی آن‌ها که به نماز و اذان ارتباط دارند احتمال هرگونه تردیدی از میان می‌رود (همان، ۴۱۸). با توجه به آنچه پیشتر گفتـه شـد اگر فرضیه مولوی را که معتقد است این مناره‌ها در دوره موخرتر احداث شده اند، باور کنیم باز به این نتیجه می‌رسیم که از ایـن مکان برای برگزاری نماز استفاده می کردنـد، بـه همـین جهـت تصمیم گرفتند برای آن مناره احداث کنند. بـه عبـارت دیگـر از گنبدخانه‌هایی که در هر طرف بنا قرار دارد به عنوان مکانی برای عبادت مورد استفاده قرار میگرفت، از این رو در دوره هـای بعـد برای آن مناره ساختند.

در جدول۱ به بررسی کتیبه‌های موجود در این بنا پرداختیم تـا بـا بررســی دقیــق تــر بتــوان کــاربری آن را تشــخیص داد.

**جدول ۱. بررسی کتیبه‌های موجود در بنا**

ماخذ: نگارنده

| | موقعیت | عبارت | مضمون |
|---|---|---|---|
| ایوان اصلی | ضلع راست جدار مدخل اصلی بر ضلع راست تنها آغاز بسی الله نمایان است | ۱.عمل (خ)واجگی (؟)شمس‌الدین محمد بنا التبریزی | نام معمار |
| | پایان کتیبه بر روی ضلع چپ به شرح زیر است | ۲. یل الامیر ملکشاه عرج الله معارج دولته<br>فی رجب سنه خمس و خمسین و ثمانمائه الهجریه | تاریخ ساخت و بانی |
| | قاب‌بندی این کتیبه باریکه ممتدی از ترنجی‌های کتیبه‌ای است شامل ابیات فارسی به خط ثلث کهربایی بر زمینه آبی سیر | بیتی از سعدی را می خوانیم:<br>۳- خوشست عمر دریغا که جاودانی نیست<br>بس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست<br>بر ضلع چپ پهلوی راست، این سروده قاسم انوار را می خوانیم:<br>۴- که به او صاف خداوند سخن چون رائنم<br>من و توحید توهیهات دلم می لرزد<br>بر ضلع راست پهلوی چپ، این ابیات از قاسم انوار به چشم می خورد:<br>۵- مصحف رو ترا از همه رو خوانم<br>چند روزیست که قاسم از تو ماندست جدا<br>بس عجب مانده‌ام ای دوست عجب می مانم<br>در ضلع راست و قاعده پهلوی چپ، از حافظ می خوانیم:<br>۶- بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر<br>بجز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند | فانی بودن دنیا |
| | بر روی بخ جدار مدخل اصلی ایوان، چندین ترنجی به زبان عربی وجود دارد | ۷- اللهم صل علی محمد المصطفی<br>در ضلع چپ، حمدهای زیر بر جای مانده است:<br>(اللهم صل علی) محمد التقی / اللهم صل علی النقی/ حسن العسکری و محمد المهدی الهادی | ستایش پیامبر و امامان |
| | کتیبه در نوک ایوان به دو حاشیه منقوش تقسیم شده است که ویژگی خاص دوره صفوی است | ۸.آیه ۱۴۴ از سوره بقره | قبله ونماز |
| مناره | بخش پایینی آن خط ثلث سفید رنگی را بر زمینه آبی سیر می توان دید | ۹- سوره فصلت/آیه ۳۳ | برپایی نماز و دعوت به توحید |
| | در بالای این افریزه، تزیینات به یک رشته ترنجی با اندازه‌های گوناگون تقسیم می شوند<br>قابندهای تزیینی چند پره بزرگتر در نزدیکی ته-ستون شامل حدیث های زیر به خط ثلث سفید بر زمینه آبی سیر است. | بسیاری از آنها شامل اسماء الحسنی به صورت جفت جفت یا کلام موجز خیرآمیز (مانند سبحان الله و الحمد الله) هستند<br>۱۰-احادیث پیامبر<br>قال رسول الله علیه و سلم الموذنون اطول اعناقا یوم القیامه و قال علیه السلام اذا سمعتم الموذن فقولوا مثل ما یقول قال النبی علیه السلام من أذن سبع سنین محتسبا کتب له برات من النار. صدق نبی الله | فضیلت اذان ومؤذن، توجه به برگزاری نماز |

**ادامۀ جدول ۱. بررسی کتیبه‌های موجود در بنا**

ماخذ: نگارنده

| | موقعیت | عبارت | مضمون |
|---|---|---|---|
| گنبد | ساقه گنبد: به خط درشت کوفی بنایی؛ سنگ فیروزه ای با رنگ آبی سیر در میان پنجره ها طراحی شده است | ۱۱- البقا لله | فانی بودن |
| گنبد | در بالای ساقه گنبد قابندی تزیینی از ابیات قرار دارد. | ثلث فوقانی این قسمت را عبارت الملک لله با خط کوفی کهربایی در بر گرفته که تکرار شده است و کتیبه تحتانی خط ثلث سفید رنگی بر زمینه آبی سیر را نشان می دهد.<br>۱۲- سجده کاه اصفیا<br>از صفا و مروه آن کعبه گر دارد شرف<br>از مروه و ز صفا این کعبه دارد صد بها<br>از وجود مصطفی گر گشت آن کعبه عزیز<br>.. (ما) برج سلطنه<br>آفتاب اوج عزت شاه فوج اولیا | شکوه و صفای کعبه |
| گنبد | دری که رو به گنبدخانه اصلی باز می شود: | در مرکز نعل درگاه چوبی یک ترنجی با عبارت بسم الله و تاریخ ۱۷۴۲/۱۱۵۵-۱۷۴۳ به چشم می‌خورد. | |
| داخل | فضای درونی گنبدخانه اصلی: بـر روی کاشـی‌هـای سبز رنگ مستطیلی که قاب کتیبـه ازاره را تشـکیل داده است تصاویری خیالی که کتیبه ها به چشم می خورند که در اصل ظرفهایی از طلای حرارت ندیـده بر آن‌ها حک شده بودند. | کتیبه اصلی بر روی ازاره شامل ابیـاتی از شـعر علـی بـن ابیطالـب (ع) است که اصل آن ۲۲ بیت است. بخش فوقانی میدان کار دارای الحکم لله و الملک لله است بیت زیر به ویژه جالب توجه است.<br>۱۴- الهی انسنی بتلقین حجتی إذا کان فی القبر مثوی و مضجع | مضمون همگی آنهـا در خواسـت آمـرزش گناهان است. |
| داخل | بقایای بسیار کمی از کتیبه نقاشی شده کـه بـه دور چهار قوس اصلی کشیده شده اسـت بـه چشـم مـی خورد. با این همه، کتیبـه نقاشـی شـده در تهسـتون شکنگاه همچنان نمایان است. ایـن کتیبـه بـه خـط ثلث سفید بر زمینه ای آلبالویی رنـگ نگاشـته شـده است | ۱۵- بسم الله، قرآن، بقره (۲) آیات ۱۶۱-۱۶۶ که در پس آن بـه طـور خلاصه تاریخ ۱۷۰۷/۱۱۱۹-۱۷۰۸.... آمده است | یگانگی خدا را تأییـد می کنند و کسانی را که خدایان دروغـین را باور می دارند پنـد می دهند. |

عدم تقارن موجود در بنا نشان دهنده مشکلاتی است که ملکشـاه در به دست آوردن زمین بـه منظـور سـاختن آنهـا داشـته اسـت. زمین‌هایی آن چنان نزدیک مرکز تجاری شهر و مسیر اصلی بازار احتمالا غیر قابل دسترس بودند و بعضی از آن‌ها تا آن زمان وقف بخش‌هایی از حرم امام رضا (ع) شده بودند. این امر دلیـل تـزیین شدن تنها یک نمای پیشین ساختمان را روشـن مـی‌سازد. ولـی شکل واقعی که این بنا بر اثر این قطعه زمین نامنظم پیدا می‌کند. چهارگوشی مرکزی، با راهروها و اتـاق‌هـای اطـراف آن بـا مـزار اصلی شهر یعنی مزار امام رضا(ع) مشخص می‌شود که مـی‌تـوان آن را از طرف مناره‌های مسجد شاه در بالای بـام‌هـای بـازار بـه چشم دید (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۲۰).

شکل دقیق مجموعه بناهای مربوط به امام رضا(ع) در میانه سده یازدهم هنوز به صورت فرض مانده، ولی به یقین این مجتمع بـه مسجدی مانند مسجد گوهرشاد از طریق چنـدین اتـاق میـانی بـا ابعاد گوناگون همچون دارالسیاده و دارالحفـاظ مسـجد گوهرشـاد ارتباط دارد. بنای تاریخی جدیدتری در نزدیکی هرات نیز ترکیب مزار و مسجد را در یک مجموعه نشان می دهد. این زیارتگـاهی در آزادان است که گنبد خانه صلیبی شکل آن به جماعت خانه‌ای با نقش مسجد جـامع منتهـی مـی‌شـد. چهـار شـنبه‌هـا، شـیخ و همراهانش برای زایران غذا تهیه می‌کردند. دشـوار اسـت بتـوان برای مسجد شاه همـین نقـش‌هـا را در نظـر گرفـت. اتـاق‌هـای کوچک طبقه دوم درکنج‌های بنا را برای منزل دادن شیخ یا خدام استفاده می‌کرده اند. در حالی که کاربرد دقیق هـر فضـایی از بنـا باید به صورت فرض باقی بماند، کتیبه‌ها و شکل بنا روشن مـی-سازد که این بنا مزاری از این نوع بوده اسـت، هـم زایـران از آن برای نماز استفاده می‌کرد و هم ساکنان محلی (همان، ۴۲۰).

## نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتایج حاصله را در جدول۲ به اینگونه بیان نمود:

**جدول ۲. بررسی کاربرد این بنا**

ماخذ: نگارنده

| دلایل پذیرش و رد کاربری | توضیحات | کاربری |
|---|---|---|
| به گفته مقدسی، امیر فائق گرد حرم، مسجدی ساخته است | سایکس مسجد شاه را با مسجد امیر فائق یکی می داند | مسجد |
| جمعیت مشهد نیاز به مسجدی در کنار مسجد گوهرشاد نداشتند | | آرامگاه |
| احتمال دارد مسجد طایفه ای باشد | بیت از آن به عنوان مسجد سنی ها نام می برد | مسجد |
| شباهت به پلان مسجد کبود تبریز و مسجد سبز بورسه | هر دو مسجد سنی‌ها هستند | مسجد |
| در کتاب حبیب‌السیر آمده است که شاه ملک در کنار حرم امام رضا دفن شده است | احتمال دارد که ملکشاه همان شاه ملک نباشد | آرامگاه |
| اختلاف ۲۵ ساله بین مرگ ملکشاه و ساخت آرامگاه | | مسجد |
| انحراف از قبله | در هر دو کاربری باید بنا رو به قبله باشد و انحراف از قبله نمی تواند دلیل رد دیگری تلقی گردد | مسجد -آرامگاه |
| وجود مناره =ها | مولوی معتقد است که مناره‌ها در دوران صفویه افزوده شده اند اما با توجه تزئینات آن با سایر فضاها هماهنگ است | مسجد -آرامگاه |
| وجود سرداب | مسلمانان معمولا در مساجد دفن نمی شوند | آرامگاه |
| برخی از کتیبه ها برای مزار مناسب‌ترند | ۱.جمله البقاءلله که در ساقه گنبد مکرر گردیده<br>۲.ابیاتی از شعرا<br>۳.ماهیت دعایی سخنانی از علی (ع) درون گنبدخانه | آرامگاه |
| نقشه کف | شباهت با نقشه کف مساجد عثمانی و مسجد کبود تبریز | مسجد |
| آیه قرآنی بالایی پایه مناره | برپایی نماز در مساجد ودعوت به توحید | مسجد |
| اشعار نوشته شده بر کتیبه ها بر آرامگاهی بودن آن تاکیید می کنند | عبارت دعایی روی ایوان "خداوند به علو فروانروایی‌اش بیفزاید | آرامگاه |

به نظر می‌رسد این ساختمان دو نقش را با هم دارد: نقش آرامگاه و نقش مسجد.

هرچند به این پرسش پاسخ نمی دهد که این ساختمان در کتیبه اصلی اش چه نامیده می شده است یا در واقع بخش‌های گوناگون ان در مجموع چه کارکردی داشته اند.

در واقع می توان برای فضاهای داخلی کارکرهای مختلفی را بیان داشت. گنبدخانه مرکزی با احتمال وجود بنایی یادبود در آن نقش مزار داشته است، در حالی که گنبدخانه‌های هر طرف بنا به صورت نمازگاه خصوصی در آمده‌اند. در داخل فضا چند حجره با سقف کوتاه قرار دارند که شاید در آنجا افرادی برای ریاضت و چله‌نشینی سکونت می‌کرده‌اند و به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که بنای مقبره را مدتی به عنوان خانقاه مورد استفاده قرار داده‌اند.

با توجه به کتیبه ایوان اصلی، تاریخ ساخت بنا (۸۵۵ ق.) و معمار آن شمس‌الدین محمد تبریزی ذکر شد. اما اینکه این بنا در دوران قدیم ساخته شده و بعدها در دوران تیموری آنچنان مورد تغییر قرار گرفته که ویژگی‌های آن دوران را به خود گرفته است همچنان جای بحث و بررسی دارد.

## منابع


اعتماد السلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۲). *مطلع الشمس (جلد دوم)*. تهران.

الهی زاده، محمدحسن. محمد دوست لشکامی، کبری. و نجف زاده، علی. (۱۳۹۳). مسجد شاه و کتیبه‌های آن. *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، ۴۶(۹۲)، ۱۰۹-۱۳۰.

اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*. (ترجمه ع. آخشینی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

بلر، شیلا اس. و بلوم، جاناتان ام. (۱۳۸۲). *هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دورهٔ ایلخانان و تیموریان*. (ترجمه س.م. هاشمی گلپایگانی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
وگاچنکووا، گالینا. (۱۳۸۷). *شاهکارهای معماری آسیای میانه سده های چهاردهم و پانزدهم میلادی*. (س.د. طبایی). تهران: فرهنگستان هنر.
خراسانی، محمد هاشم. (بی‌تا). *منتخب التواریخ*. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
خزایی، محمد. (۱۳۸۸). ساختار و نقش مایه‌های مدارس دوران تیموری در خطه خراسان. *دو فصلنامه علمی -پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، (۱۱)، ۵۹-۷۸.
خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی. (۱۳۵۳). *حبیب السیر(جلد سوم)*. (م. دبیرسیاقی). تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.
دانشدوست، یعقوب. (۱۳۵۹). هنر معماری ایران در دوران تیموریان. *اثر*، (۱)، ۹۱-۱۰۲.
سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۱). *نقدی کوتاه بر کتاب سبک شناسی معماری ایرانی*. تهران: انتشارات چهار طاق.
سمرقندی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین(جلد دوم)*. (ع. نوایی). تهران:پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
سیدی، مهدی. (۱۳۷۸). *تاریخ شهر مشهد*. تهران: انتشارات جامی
طاهرزاده، بهزاد. (۱۳۲۸). آثار مهندسی و معماری قدیم در مشهد. *علوم تربیتی : آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*، ۲۴(۵)، ۴۶-۵۲.
قصابیان، محمدرضا. (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد از پیدایش تا آخر دوره افشاری*. مشهد: انتشارات نصر.
کبیر صابر، محمد باقر. مظاهریان، حامد. و پیروی، مهناز. (۱۳۹۳). ریخت شناسی معماری مسجد کبود تبریز. *مطالعات معماری ایران*، (۶)، ۵-۲۳.
کربلائی تبریزی، حافظ حسین. (۱۳۸۳). *روضات الجنان و جنات الجنان*. (ترجمه م. سلطان‌القرائی و ج. سلطان‌القرائی). تبریز: ستوده.
کونل، ارنست. هنر اسلامی ، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران:انتشارات طوس،۱۳۶۸
مصطفوی، محمد تقی. (۱۳۴۹). از آثار تیموریان هرات: مسجد مولانا در تایباد. *مجله آریانا*، (۲۸۸)، ۱۲-۲۳.
ملکشاه حسین بن ملک غیاث الدین. (۱۳۸۳). *احیاءالملوک*. (م. ستوده). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
موسوی بجنوردی، محمد کاظم. (۱۳۸۴). *دانشنامهٔ ایران (جلد ۱)*. تهران: مرکز دائرهٔ المعارف بزرگ اسلامی.
مولوی، عبدالحمید. (۱۳۴۷). مسجد شاه یا مقبرهٔ امیرغیاث‌الدین ملکشاه. *هنرو مردم*، ۷(۷۴و۷۵)، ۷۵-۹۲.
نطنزی، معین الدین. (۱۳۸۳). *منتخب التواریخ معینی/ منسوب به معین الدین نطنزی*. (پ. استخری). تهران: اساطیر.
ویلبر، دونالد. و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. (ک.افسر و م. کیانی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
بیت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان*. (ق. روشنی و م. رهبری). تهران: یزدان.

# A Historical Review of Shah Mosque in Mashhad

**Neda Mirzaei**[3]
**Saeid Khaghani**[2]

**Abstract:**
Iranian architecture, established in the 8th century with its roots in the forms and buildings of Seljuk, was expanded and exalted during the Timurid period. In the reign of Shahrokh, very valuable historical monuments were built. Sultan Shahrokh Teymouri together with his wife gave rise to a kind of cultural renaissance through supporting art and attracting artists, architects, philosophers, and poets to their court. The existence of Imam Reza (A.S.)'s Holly Shrine in Mashhad and its proximity to Harat caused this city to draw bourgeoning attention during this period. In this regard a number of historical monuments such as Goharshad Mosque, Madrasa-i-Dodar, Madrasa-i-Bala-sar, Dar al-Huffaz, and Dar al-Siadah were established in the south and west of Imam Reza (A.S.)'s Holly Shrine. Shah Mosque or the Mosque of the 72 Persons, located in the south-west of Goharshad Mosque and along the former Zanjir Bazaar, is one of the magnificent monuments of the Timurid period in Mashhad. In recent years, subsequent to discovering some tombstones under the dome, the primary assumption that this monument had been a tomb and had mistakenly been introduced as a mosque grew stronger. In accordance, several research papers confirming this monument as a tomb were also published. However, given the changes made to this monument in different periods, renaming the shrine a mosque is rather debatable. Today, there is no consensus over either the function and nature of this monument or its construction date, founder, constructor, etc. Thus, in this study, the author attempted to address such ambiguities by investigating the historical documents and the existing inscriptions on the monument.
The results indicated that, this monument can be considered as one of those tomb-mosques with an amalgamation of the two functions.

**Keywords:** Shah Mosque, Mashhad, Mosque, Shrine, Malekshah

---

1. Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan , Iran. (Corresponding Author) mirzaie.neda@gmail.com
2. Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran.